

نقوشناسی ایران در کشورهای همسایه

سایا، جشن چوپانی

دکتر روا

استادیار دانشگاه آذربایجان

در پیرامون آثار پایدار انعکاس فرهنگ و سنتهای ایرانی در خارج از مرزهای کشور اشاره به جشن یا آئین «سایا» یا «سایاچی» که با حذف زوائد خاص محلی هم‌ارج و همتای آئین سده پاریسی است خالی از فائده نخواهد بود. در طول تاریخ بر اثر مهاجرت‌های متداوم و گذشت‌روزگاران تعدادی از اقوام ساکن نواحی آسیای مرکزی که گاهی در مجاورت مرزهای شرقی کشور ما قرار داشته و گاهی جزئی از حوزه متصرفات ایرانی بوده‌اند برخی از آداب و سنن ایرانی را اقتباس کرده سپس با محیط کار و فعالیت خود مطابقت داده‌اند این رسوم در طول سالهای متعددی با ذوق و سلیقه و سنن اقوام و نژادهای مختلف آراسته شده و دستخوش تغییر قرار گرفته است تا حدیکه به سخن نظامی «گرتو به بینی شناسی دگر».

جشنی که در حکم «یادگار مانده از هوشنگ» و «فریدون و جم» توصیف شده یا منسوب به کیومرثش میدانند و گاهی ساخته و پرداخته «ملوک نامدار» قلمداد شده و «نور تجلی از آن آشکار» بوده به مرور زمان تبدیل به آئین دیگر و با هدفهای دیگری شده است.

امروزه در ایران آئین سده را در دهم بهمن ماه هر سال در شهرهای کرمان و یزد و تهران تقریباً با همان اصول و تشریفات باستانی برپا میدارند و باین منظور مقارن غروب آفتاب پیروان زرتشت و در رأس آنان موبدان سفیدپوش لاله بدست همراه دختران و پسران خردسال سپیدجامه جهت شرکت در مراسم آتش‌افروزی در خرمنگاه هیزم‌ها و بوت‌ها که قبلاً برای این کار آماده شده‌است گرد هم می‌آیند و بعد از روشن شدن آتش بر گرد شعله‌های فروزان و تابناک آن

می‌گردند و سرود «آتش مقدس» می‌خوانند. ترجمه زیر صورت دیگری از فرهنگ و سنن ایرانی را که در طول قرون و در سرزمین‌های بیگانه رنگ و بوی اصلی خود را باخته است احیا و به ما باز می‌نماید.

در آسیای صغیر و در آذربایجان کلمه سایا معرّف جشنی است که بوسیله سایاچی‌ها در اواسط فصل زمستان بمورد اجرا گراورده میشود. در برخی از نواحی آن را بنام *davar yüzi* یا *koyun yüzi*، صد گوسفند نیز می‌نامند. جشن ویژه‌گیهای خاص چوپانی و روستائی دارد و آئین آن در روستاها بیشتر پایدار و استوار است. اجراء کنندگان نقش چوپانان هستند و در مواردیکه شرکت مستقیم چوپانان مشکل می‌نماید روستائیان جوان بالاجبار جای آنان را می‌گیرند. در هر حال موضوع و کیفیت برگزاری آئین جشن بازگوکننده يك سنت چوپانی است.

جشن سایا حلقه از يك سلسله مراسم موسمی است از آن جمله : *koç - katimi* یا جفت‌گیری گوسفندان ، سایا "saya" که صدروز بعد از جفت‌گیری گوسفندان ترتیب داده میشود و دول "döl" یا زائیدن میش که صد و پنجاه روز بعد از جفت‌گیری گوسفندان و پنجاه روز بعد از جفت‌گیری گوسفندان صورت می‌گیرد. مدت بارداری گوسفندان پنج‌ماه یا صد و پنجاه روز است. در آسیای صغیر هنگام جفت‌گیری گوسفندان آئین جشن و سرور برپا می‌کنند. این مراسم بر حسب نواحی مختلف و شرایط خاص آب و هوای هر محل در فاصله دهم مهرماه و سیام آبان برگزار میشود. باین مناسبت است که جشن سایا صدروز بعد از تحویل قوچها به گله گوسفندان

گرفته میشود و آن را صد گوسفند یا کویون یوزی نامند . بزعم مجریان جشن بره صدروز بعد از القاح جان می‌گیرد و موها شروع به روئیدن میکند . بدین ترتیب ملاحظه میگردد که زمان برگزاری جشن سایا طبق معمول با احتساب تاریخ جفت‌گیری گوسفندان و با احتساب روز بدنیا آمدن بره‌ها معین و مشخص میشود و اختلاف زمانی جشن ناشی از این امر است . ولی در محدوده ناحیه معینی که تحت تأثیر شرایط جوی مشابه است تاریخ برگزاری از آن تقریباً ثابت مانده است . مطالبی که تذکر آن ضرورت دارد خصوصیات فصلی جشن است که همیشه مقارن با روزهای از زمستان است که شدت سرما به حد اعلی خود میرسد . اعتقاد بر این است که پس از سپری شدن جشن سایا آب و هوا رو باعتدال میگذارد، زمستان از نیمه گذشته و در آغاز سراسیمه بهار قرار میگیرد . در اغلب نواحی آسیای صغیر روز برگزاری سایا مصادف و مقارن با جشن ایفانی^۱ یا عید ظهور در روز ششم ژانویه از تقویم گریگوری است .

مراسم جشن سایا شب هنگام برگزار میشود و دارای سه بخش است که در هر منطقه با توجه به ضعف و یا استحکام سنن قدیم کم و بیش محفوظ مانده است :

۱ - مراسم جمع‌آوری عیدپانه که بوسیله چوپانان و یا روستائیان جوان صورت میگیرد و در جریان آن گروه متشکل از سایاچی‌ها به خانه‌های روستائیان مراجعه و ترانه‌های مناسب حال و یا سایاچی‌سوزلری و یا سایا تورکلری و یا بطور ساده سایا میخوانند .

۲ - ترتیب يك صحنه نمایشی که ساده و ابتدائی است و فی‌البداهه در جلوخان ، در حیاط و حتی گاهی در داخل خانه‌های روستائیان بمرض تماشا گذاشته میشود . سناریوی آن دارای بافت مشخص است ، دونفر بازیگر که یکی سیاه و دیگری پیر نامیده میشود به مبارزه برمیخیزند ، کشمکش با حمله سیاه شروع و به پیروزی او منتهی میشود ، پیر مرد ، مغلوب و درحالی‌که نقش بر زمین و بی‌حرکت افتاده است تظاهر به مردن می‌کند و تنها وقتی تصمیم به برخاستن از زمین می‌گیرد که فی‌المجلس غذاهای لذیذ و متنوع باو تقدیم کنند .

۳ - بالاخره مراسم شرکت در صرف شام که از غذاهای جمع‌آوری شده ترتیب داده میشود .

تا امروز مدارك ژرادی مربوط باین جشن - لااقل برای بخش آسیای صغیر - بعد کافی و بطور صحیح و منظم جمع‌آوری نشده و بررسیهای لازم و جسدی روی جوانب مختلف مسئله بعمل نیامده است . محققان محلی روی هر يك از مسائل مربوط به مراحل سه گانه : دول "döl" ، سایا و کوچ کاتیمی بسته گریخته اطلاعاتی دارند . دوره جشن

بایستی در چهارچوب کلی مورد توجه قرار می‌گرفت و در شرایطی که بعلمت مشکلات موجود آدمی قادر با اجرای تحقیقات لازم مربوط به مراحل مختلف و مراسم کلی جشن نمی‌باشد لااقل از توجه به ارتباط منطقی میان مراحل مختلف آن غفلت نمی‌شد . توضیحات و توصیفاتی که بطور پراکنده از روی مدارك جمع‌آوری شده ارائه میشود در مورد عناصر مختلف سازنده آن فاقد هر نوع صراحت است . محقق اغلب اوقات به یادداشت برداری از مطالبی که بنظر شخص وی جالب‌تر است کفایت می‌کند . روش گردآوری مدارك بطریق مشاهده و بررسی مستقیم نبوده بلکه با واسطه شخص ثالث و باصطلاح غیر مستقیم بوده است . بنابراین در شرایط فعلی با استناد به مدارك جمع‌آوری و منتشر شده تصور نتیجه‌گیری صریح و قطعی زود خواهد بود .

سبب اینکه سرزمین‌های فوق‌الذکر محل تلاقی و آمیزش فرهنگهای ملل مختلف بوده است تجلیات فرهنگی این مناطق بالطبع متبلور از عوامل دست‌آوردهای پیچیده و متفاوت است و در تجزیه و تحلیل آن لازمست از یکسو سهم عناصر ترك آسیای میانه و از سوی دیگر داده‌های تمدنهای قبل از ترکی شدن این نواحی جداگانه بررسی و مشارکت و مساعدت هر کدام از آنها در فراهم آوردن موجبات برگزاری این جشن معین و مشخص گردد .

ما سعی خواهیم کرد تنها دو جنبه مسئله را ، ریشه کلمه سایا و معدودی از عناصر سازنده این آیین را شرح دهیم . کلمه سایا دارای معانی چندی است ، ردیف نخست که احتمالاً مربوط به سایای مورد بحث ماست به معنای «سایگاه برای گوسفندان» ، «آغل» و «گله گوسفندان» میباشد . این مفاهیم ، بعدها ، معانی دیگر را نیز بدنبال داشته است از آن جمله به «محافظین گله‌های گوسفند که در دربار عثمانی ذبح و مصرف میشد» ، به «هیأت محافظین و یا سایا اکچی (saya-ocagi) » و بالاخره به «مأمورین وصول مالیات از گله‌های گوسفند» نیز سایا اطلاق گردیده است . ردیف دوم به معنای «لباس» یا «قماش» آمده و بنوبه خود مفاهیم دیگر را نیز سبب شده است از قبیل : «چرم نرم روی کفش» ، «سایالان (sayalan) یادیک آماده و صافکاری نشده» که در اصطلاح مسگری معمول است و یا «سایالی (sayali) » که مشتق از کلمه اخیر و بمعنای «برنج از پوست جدا نشده» است . از سوی دیگر سایا به معنای «بخش‌منثور داستانهای دراز عشقی» و در ادبیات غیر مکتوب ناحیه قارص

۱ - آن جشن را علاوه از عید ظهور ، عید مجوس ، دنچ یا غطاس نیز می‌نامند و هر سال روز ششم ژانویه بمناسبت ظهور حضرت مسیح بر پادشاهان مغ ، از جانب کلیسای کاتولیک برگزار میشود .

ترکیه در مفهوم «نمایش عناصر شاعرانه روایات شفاهی که با سبک ساده و نثری عامیانه بخش عمده و اساسی داستانی را تشکیل میدهد» آمده است.

فریدون کوچرلی در مجموعه از بررسیهای خود که در سال ۱۹۱۰ منتشر کرده ریشه سایا را با توجه به یکی از معانی آن: «سایگاه برای گوسفندان» با کلمه پارسی سایه مترادف میداند. نویسنده دیگری آن را مشتق از «سای» بمعنی شمردن میداند و چون طبق عادات و رسوم جاری در بین گلهداران یکی از کارهای روزمره چوپانان شمردن (دوبدو) گوسفندان میباشد این چوپانان را سایاچی نیز مینامند و باستاند آن ترانه‌ها و اشعاریکه در این مراسم خوانده میشود به سایاچی سوزلری معروف گردیده است. با توجه به مفاهیم فوق سایا به گوسفند و سایاچی علاوه از چوپان و صاحب گله‌های گوسفند به شکارچی نیز اطلاق گردیده است.

سعید اوگور (Sait Ugur) نویسنده ترك بنوبه خود ریشه سایا را بشرح فوق مطرح میکند و درتأیید آن بیتی از تصانیف سایارا که در ناحیه اچل ترکیه بهنگام برگزاری جشن بوسیله سایاچیها (چوپانان) خوانده میشود بشرح زیر معنی میکند. قبلاً یادآور میشود که وی سایارا در شکل صفت فاعلی از سای (شمردن) می‌گیرد.

“Saya geldim, duyduruz-mu?”

«آمده‌ام تا برایتان آگاهیهای بسیاری درباره گوسفندان و بره‌هاشان برشمارم، آیا بمن گوش دارید؟»
این بیت دربرخی نسخ بشکل دیگری عرضه شده است:

“Saya geldi, duydun mu?”

و یا

“Sayaci-geldi duydunuz” یا “Saya...”

در ابیات بالا کلمه سایا هم بمعنای جشن و هم بمعنای بازیگر بکار رفته است.

فخرالدین کیریوگلو (Fahrettin Kirioglu) درباره سایا این ریشه‌یابی را قبول دارد و سایا یا سایاچی را مشتق از فعل سای یعنی شمردن میداند و مشتقات دیگر آن را نیز از قبیل sayim, sayi و sayis را برای توضیح مسئله مورد بحث اضافه می‌نماید. نویسنده دیگری^۱ سایارا از say که به معنی احترام کردن و بزرگ داشتن نیز بکار می‌رود و آنرا در مفهوم «سرود ستایش» یا ترانه مدح‌آمیز تعبیر میکند.

مقاله که در این اواخر تحت عنوان “Saman sayacinin bir duaci” «دعائی از شامان سایاچی» احمد کافروغلو (Ahmed Caferoglu) که سهم شایسته در تحقیق و تفحص و گردآوری تعداد قابل ملاحظه‌ای از متون تصانیف لهجه‌های مختلف نواحی آسیای صغیر دارد در مورد ریشه سایا مطلبی

کاملاً متفاوت عرضه میکند و اصطلاح «سایاچی» متداول در این نواحی را از کلمه مغولی dzayagaçi که نمونه‌هایی در اغلب لهجه‌های ترکی دارد از قبیل “t’ayaçi, yayaçi” در (koybol, kaçin), “yayan”, (teleüt), “tayän”, در (sor, sagay), “çaya”, (uryanhay), , در “ayaçi/ayatci” در (yakut) مشتق میداند. کلمات فوق در اشکال مختلف آن بمعنای رب‌النوع جهان آفرین و الهه حامی و محافظ گله‌ها بوده و سپس تا حد يك کاهن یاغی‌گو و رمال تنزل یافته است.

این فرض در نظر اول جالب می‌نماید ولی دلایل و مستندات آن فاقد پایه و اساس مطمئن ژراندشناسی و زبانشناسی است. برای نیل به نتیجه مطلوب نویسنده کار تحقیقی خود را بر پایه وجود افسانه‌ای يك الهه حامی و محافظ گله‌ها پایگذاری و برای آن در برخی جوامع ترك و مغول شواهدی ذکر میکند و سرانجام مطلب را با ذکر نمونه‌های باستانی کلمات هم‌ریشه در زبان آلتائی که گویا مشابه سایاچی مورد بحث ماست پایان میرساند. درحالیکه از لحاظ زبانشناسی انتساب dzayagaçi مغولی و نمونه‌های ترکی آن به نمونه سایاچی متداول در خطه آذربایجان و آسیای صغیر بعید می‌نماید. تنها دانستن اینکه جایگاجی و نمونه‌های مختلف آلتائی یا پاکوتی آن الهه حامی و محافظ چهارپایان است برای اثبات مشابهت دو ردیف سنن و روایات کافی نیست. چنانکه در قاموس مردمان آلتائی موجودات خارق‌العاده دیگری که ایفاگر نقش «حامیان حیوانات اهلی و حیوانات شکاری» باشند وجود داشته است ولی هر کدام از آنها دارای نام و نشان متفاوت از هم بوده‌اند.

کلید مشکل را در يك کتاب لغت فارسی - ترکی مربوط به قرن شانزده میلادی میشود یافت. مؤلف در کتاب خود که در ۱۵۴۰ تألیف کرده است در معنی کلمه شب سده مینویسد: «شب سده یعنی شبی که در آن اهل زندیق صلیب را در آب اندازند و این امر مقارن با شدیدترین دور سرماست». مراسم در آب انداختن صلیب را که مؤلف لغت‌نامه مقارن شب سده قرار میدهد نزد یونانیان ارتدکس ترکیه و یونان در ۶ ژانویه گریگوری برابر با ۱۸ یا ۱۹ ژانویه ژولین و همزمان با جشن اپی‌فانی کاتولیک‌ها برگزار میشود احتمالاً در جوامع مسیحی نیز منظور از این مراسم فراهم آوردن موجبات کاهش شدت سرما بوده است.

برای سده پارسی اطلاعات گسترده‌یی از ادوار باستان در دسترس داریم. ارتور کریستنسن، ایرانشناس در بررسی فاضلانۀ خود در مورد نخستین مرد و نخستین شاه در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان يك فصل تمام به جشن سده تخصیص داده و شواهدی از آغاز قرن دهم مسیحیت گردآوری کرده است.

فردوسی، بیرونی، منوچهری، بیهقی، قزوینی و دمشقی از این جشن نام برده و به منشاء، زمان برگزاری و آئین مربوط به آن کم و بیش اشاره کرده‌اند. این سنت احتمالاً تا آغاز قرن هیجدهم ادامه داشته است^۲ مؤلف انگلیسی توماس هاید در "Veterum Persarum Religions Historia" منتشره در ۱۷۰۰ آئین جشن سده را شرح میدهد و جالب این است که مانند لغت نویس عثمانی روز جشن سده را مصادف و مقارن با روز برگزاری جشن اپی فانی ذکر میکند.

شرح وقایعیکه باین ترتیب به ما رسیده است این امکان را بما میدهد که ریشه‌یابی کلمه سایا و هم منشاء تعداد زیادی از عناصر سازنده این جشن چوپانی را که بنحوی از انحاء با کلمه فوق‌الذکر بیان میشود توضیح دهیم.

کلمه ایرانی این جشن توسط بیرونی بشکل *sadhak* و توسط قزوینی بشکل *sadak* ذکر گردیده است. بعقیده کریستنسن اگر چه جشنی باین نام در متون پهلوی نیامده است لیکن انشاءشکل قدیمی آن در آثار بیرونی و قزوینی بما اجازه میدهد که نمونه آن را در پهلوی بشکل *sadhagh* بازسازی کنیم. احتمال دارد ترکیهای اوغوز کلمه فوق را در شکل قدیمی آن بعاریت گرفته باشند. سقط *gh* از آخر کلمات در نزد فارسی‌زبانان و ترکی‌زبانان پدیدهای متداول است لیکن تبدیل *dh* به *y* یک امر مختص بزبان ترکی است روزی سر این مسئله با آقای لویی بازن گفتگوئی داشتم ضمن صحبت یادآوری فرمودند که حتی میتوان تاریخ مشخصی در مورد بعاریت گرفتن این کلمه از پارسیان فرض کرد و آن بدوره قبل از قرن یازدهم محدود و مقارن با زمانی خواهد بود که ترکیهای اوغوز اندکی قبل از آن *d* یا *dh* ترک قدیم را به *y* تبدیل کرده بودند. محمود کاشغری نیز نسبت باین ویژگی فوتتیککی گویش ترک اوغوز در مقام مقایسه با گویش ترک قراختایی در دیوان لغت ترک اشاراتی کرده است.

تشابه «سایا»ی مورد بحث ما با *sādāh* یا *sadhagh* پارسی تنها محدود باسم جشن نمیشود. تعدادی از اشارات و توضیحات مربوط به تاریخ، آئین و مظاهر آن در هر دو رشته از سنن مشترک است. از شواهد و نقل قولهای مؤلفان قرن گذشته استنباط می‌شود که جشن سده نزد پارسیان در زمانیکه شب بدر از اترین و سرما به شدیدترین حد خود میرسید برگزار میشد و آئین مذهبی مربوط به آتش احتمالاً هدفی غیر از تضمین موجبات بازگشت فصل گرما نداشته است. باستناد آثار قزوینی و بیرونی جشن سده در دهم بهمن ماه مصادف با ۲۴ ژانویه برگزار میشده است. استنباط جوامع آسیای صغیر نیز از سایا بطوریکه در بالا ذکر گردید عبارت از فراهم ساختن اسباب کاهش سرما و بازگشت گرمای

بهاری است. صحنه‌های نمایشی مربوط به جشن سایا که همزمان با مراسم مذهبی نیمه زمستان یا جشن اپی فانی مسیحی ترتیب داده میشود و دارای مجموعه‌ای از مظاهر و اصول متشابه است، پیرمردی ظاهراً کشته و دوباره زنده میشود، در ترانه‌ها به صد روز گذشته و پنجاه روز آینده که منتهی به فصل زائیدن میش‌ها و سرآغاز موسم بهار است اشاره میشود.

قزوینی درباره منشاء جشن سده - کلمه که آنرا به معنی صد میگیرد - مطالب زیر را نقل میکند: «برخی میگویند که آنرا چنین نامیده‌اند بسبب آنکه صد روز به پایان سال باقی است و برخی دیگر را عقیده بر این است که در این روز صدمین سال زندگی نخستین پدر، کیومرث، کامل گردید».

از ۲۵ ژانویه تا پایان سال یعنی نوروز نه صد بلکه پنجاه روز باقی است و این امر با تاریخ اجرای مراسم جشن که قزوینی نقل کرده مغایرت دارد. توضیح آن را در روایت دیگری که بوسیله مؤلف برهان قاطع نقل میشود باید جستجو کرد: «چون از این روز تا نوروز پنجاه روز و پنجاه شب است که مجموع آن صد باشد بنا بر آن سده میگویند» میدانیم که در سنن و روایات ترکی نیز استناد بر اصل تقویم وقایع است: جشن پنجاه روز قبل از موعد زائیدن میش و صدروز بعد از سپردن قوچ به گله برگزار میشود. سنت ایرانی نیز روی عدد صد تکیه دارد. قزوینی وجه تسمیه جشن را نیز منبعت از صد میدانند. مؤلف برهان قاطع در دنباله توضیحات خود می‌افزاید: «واضع این جشن کیومرث بود و باعث براین آنست که کیومرث را صد فرزند از اناث و ذکور بود، چون بحد رشد و تمیز رسیدند در شب این روز جشن ساخت و همه را کدخدا کرد» و نیز میگویند که این آدم است که چون در این روز عدد فرزندان آدم به صد رسید جشن عظیمی کرد».

در مورد انتساب بنای جشن به نخستین مرد سنن و روایات ترکی آثار و اشاراتی در بطن خود حفظ کرده است. مضامین بسیاری از ترانه‌های سایاچیها جشن را بعنوان سنتی که بوسیله حضرت آدم پایگذاری شده است توصیف می‌کند:

"Bu saya kimden kalip?
Adem Atadan kalip"

۲ - اشاره بیک سری مقالاتی است که بقلم حسین محمدزاده در روزنامه مهد آزادی - تبریز - انتشار یافته است.
۳ - هنوز هم زرتشتیان کرمان و یزد هر ساله در ۱۰ بهمن این جشن را بطور رسمی و با شکوه بسیار برگزار می‌کنند. م.

و یا
"Bu saya kimden kaldı?
Adem Ata' dan kaldı"

پشم وموی آن شروع به نمو میکند و مصادف با کاهش شدت سرماست .

یقیناً جوامع چوپانی و روستائی آذربایجان و آناتولی فصولی چند از سنن جشن باستانی پارسی سده را اقتباس و با شکل زندگی خود مطابقت داده‌اند .

خلاصه باین موضوع باید توجه داشت که آیا منابعیکه درباره سده پارسی اطلاعاتی در اختیار ما میگذارند خود این اطلاعات را از سنن تحول و تکامل یافته قدیمی تر اقتباس نکرده‌اند ؟ آیا این جشن در اصل و منشاء خود ویژگیهای چوپانی و روستائی نداشته است ؟ آیا این ویژگیها را علاوه بر آنچه در جوامع چوپانی و روستائی این نواحی محفوظ مانده است در جوامع چوپانی و روستائی مناطق دیگر نمیشود یافت ؟ تفحصات و تحقیقاتی که در سرزمینهای پهناور حوزه فرهنگ ایرانی و نیز در مناطقی از آسیای میانه که تا با امروز در نظر ما نامکشوف مانده است در قلمرو نژادشناسی بعمل خواهد آمد احتمالاً امکانات بیشتری در جهت نتیجه گیریهای کاملاً متفاوت از آنچه که در اینجا بیان کردیم در دسترس ما خواهد گذاشت .

ترجمه از مجله تورسیکا چاپ فرانسه

«این جشن از چه کسی مارا به ارث رسیده است ؟ از بابا آدم بما رسیده است .» از روزگاران قدیم در جوامع ترک افسانه وجود دارد که منظور از آن ایجاد تعابین و تشابه بین کیومرث ایرانی و نخستین مرد یا آئی آتا جد باستانی ترکان بوده است .

جشن ایرانی سده آن طور که در منابع ایرانی شرح داده شده بنظر نمیآید که منشاء چوپانی داشته باشد بلکه با توجه با آداب و سنن مشروحه میتوان گفت که بصورت جشن آتش مرسوم گردیده است . منظور از آن نیز احتمالاً فراهم آوردن موجبات بازگشت فصل گرما بوده است . جشن سایا یا کویون یوزی ترکان اصولاً دارای ماهیت گله‌داری و چوپانی است . معهداً با در نظر گرفتن مجموع آداب و رسوم ، سایا معنا و مفهوم سده پارسی را دارد برای اینکه آن نیز پیام آور موسم بهار است و از سوی دیگر زمان برگزاری جشن سایا طوری معین شده است که فکر میکنند بره جان می‌گیرد و

